

یکی از راه‌های کاهش صدمات حاصل از این حوادث، همکاری داوطلبانه مردم در زمان بروز حوادث و آمادگی در برابر آن است. از این‌رو هدف این مطالعه امکان‌سنجی تشکیل کانون امداد محله‌ای با توجه به نظر مردم بندرعباس می‌باشد.

روش‌ها: این مطالعه به صورت مقطعی در بین شهروندان بندرعباس در سال ۱۳۹۰ به انجام رسید. نمونه پژوهش حاضر ۴۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل کردند.

یافته‌ها: بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان، تشکیل کانون امداد محله‌ای را در حد زیاد ضروری می‌دانستند و ۹۵ درصد از آنان بیش از حد متوسط مایل به فعالیت در تیم‌های امدادرسانی و ارسال کمک‌های مردمی بودند. همچنین نتایج یافته‌های تحلیلی نشان داد که پایگاه اجتماعی و دانش و آگاهی در خصوص فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر تأثیر مثبتی بر تمایل به همکاری پاسخ‌گویان با کانون امداد محله‌ای داشته است.

نتیجه‌گیری: مردم شهر بندرعباس تمایل زیادی به تشکیل کانون امداد محله‌ای و فعالیت در تیم‌های امدادرسانی نشان دادند؛ لذا تشکیل کانون امداد محله‌ای با اتخاذ رویکرد جامعه محور به همراه تمرکز جدی روی آموزش شهروندان ضروری به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: بلایای طبیعی، مشارکت مردمی، کانون‌های امدادی محلات، رویکرد جامعه‌محور.

امکان‌سنجی تشکیل کانون‌های امداد محله‌ای در بندرعباس^۱

مرتضی حسین‌زاده^۱، زهراسادات احمدی^۲

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، جهاد دانشگاهی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

[Email: morteza.kasmani@gmail.com](mailto:morteza.kasmani@gmail.com)

۲- کارشناس علوم اجتماعی، جهاد دانشگاهی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

وصول مقاله: ۹۰/۹/۱۰ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۰

چکیده

مقدمه: بلایای طبیعی از جمله رخدادهایی است که بشر همواره با آن روبه‌رو بوده و صدمات زیادی از آن متحمل شده است. تاکنون تلاش‌های زیادی برای کاهش آسیب‌های حاصل از بلایای طبیعی صورت گرفته؛ اما صدمات حاصل از آن هنوز بسیار گسترده است.

^۱- این مطالعه برگرفته از طرحی پژوهشی است که با حمایت‌های مادی و معنوی جمعیت هلال‌احمر استان هرمزگان به انجام رسیده است.

مقدمه

بلایای طبیعی بدون آنکه بشر قادر به تأثیرگذاری مستقیم بر آن باشد اتفاق می‌افتد و زندگی اجتماعی وی را به مخاطره می‌اندازد، حوادثی که به طور متوسط سالانه بیش از ۱۵۰ هزار نفر تلفات انسانی و بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار خسارات مالی بر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه دارد (۱). از تعداد تلفات سالانه، حدود ۹۵ درصد آن در کشورهای جهان سوم، جایی که بیش از ۴/۲ میلیارد نفر زندگی می‌کنند رخ می‌دهد (۲).

بلایای طبیعی از نظر فراوانی و شدت در طی دهه‌های گذشته افزایش یافته است (۳). پیامدهای اقتصادی بلایای طبیعی شدیدتر شده است. طبق برآوردها خسارت‌های اقتصادی ناشی از فجایع طبیعی در سال ۲۰۰۴ به ۱۴۵ میلیارد دلار بالغ شد که بیش از دو برابر نسبت به سال ۲۰۰۳ رشد داشته است و در سال ۲۰۰۵ نیز این خسارات به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. مقایسه این ارقام با ارقام دهه ۱۹۶۰، تصویر آشکارتری را نمایان می‌سازد. فجایع طبیعی رخ داده در طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۵۷۲ میلیون دلار خسارت به بار آورده است که ۶/۶ برابر بیش از خسارات حاصل از بلایای طبیعی در دهه ۱۹۶۰ (۸۷ میلیارد دلار) می‌باشد (۴). بلایای طبیعی آسیا را بیش از نقاط دیگر تحت تأثیر قرار داده است. در مجموع ۸۰ درصد از بلایای طبیعی در سراسر جهان در آسیا رخ می‌دهد که از این تعداد ۸۰ درصد مرتبط با وضعیت آب و هوا هستند. در طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱، ۱/۷ میلیون آسیایی از صدمات ناشی از بلایای طبیعی در امان نماندند و ۳۶۹ میلیارد دلار خسارت در پی داشت (۵).

کشور ما جزو ده کشور آسیب‌پذیر از بلایای طبیعی جهان به شمار می‌آید (۶)؛ زیرا از ۴۰ نوع بلایای طبیعی شناخته شده در جهان، ۳۱ نوع آن در ایران به

دلیل شرایط خاص جغرافیایی اتفاق می‌افتد و براساس آمارهای موجود طی ۹۰ سال گذشته در ایران ۱۲۰ هزار نفر بر اثر بلایای طبیعی جان خود را از دست داده‌اند (۷) و در این بین بیشترین تلفات انسانی (۷۶ درصد) به دلیل زلزله بوده است (۸). استان هرمزگان یکی از استان‌هایی است که بلایای طبیعی بسیاری در آن رخ داده است و از این جهت استانی امن به شمار نمی‌آید؛ به گونه‌ای که در یک سده گذشته بیش از ده زمین‌لرزه بالای ۶ ریشتری در این استان اتفاق افتاده است و وقوع سیل نیز هر ساله خسارت‌های میلیاردی به این استان وارد می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات در مواجهه با حوادث غیرمترقبه، آمادگی در برابر آن می‌باشد. دولت‌ها هر چقدر هم از آمادگی بالایی در رویارویی با حوادث برخوردار باشند و بالاترین توانایی را دارا باشند، از مشارکت و همکاری مردم بی‌نیاز نخواهند بود. این امر در حوادث بزرگ و گسترده نمود بیشتری پیدا می‌کند (۹). در اکثر حوادث، امدادرسانی و نجات آسیب‌دیدگان به داشتن اطلاعات دقیقی از خسارات وارده و انجام اقدامات فوری در مقابله با آنها وابستگی کامل دارد. پاسخگویی سریع و مناسب به خسارات گسترده حوادث ناشی از پدیده‌هایی چون سیل و زلزله معمولاً از توان و استعداد سازمان‌های مسئول محلی خارج است. از این رو تأمین و تدارک منابع مورد نیاز برای پاسخگویی به آسیب‌های حاصل از این بحران‌ها نیازمند مشارکت همه‌جانبه مردمی خواهد بود. اگرچه در حوادث بزرگ و بحران‌ها، نیروهای مردمی به‌صورت خودجوش فعالیت‌هایی را در جهت امدادرسانی و نجات هم‌نوعان خود انجام می‌دهند، ولی این اقدامات معمولاً ناهماهنگ، پراکنده و غیرحرفه‌ای است و در ارزیابی‌ها، پایین‌ترین امتیاز را به خود اختصاص می‌دهند (۱۰).

مدیریت بلایای طبیعی دارای دو رویکرد عمده

با ارایه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شود که ساکنان آن نوعی تعلق و هویت داشته باشند، تا جایی که شهروند با نام محله‌ای که در آن می‌زیسته شناخته می‌شود. همچنین کارشناسان شهری معتقدند که کوچک‌سازی تشکیلات اداره شهرها از طریق محله‌ها، با کیفی‌سازی خدمات ارائه شده از سوی آنها همراه است (۱۳). با توجه به مباحث فوق، یکی از مهم‌ترین و اجرایی‌ترین راهکارهایی که در کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توانمندی فرا روی جمعیت هلال‌احمر قرار می‌گیرد، شناخت و درک نزدیک واقعیت‌های محلی و تمرکززدایی در شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و توانمندی‌ها، بهره‌گیری از این توانمندی‌ها، مهارت‌ها و منابع خود مردم، توانمندساختن آنان در مقابل آسیب‌پذیری و در نهایت مشارکت دادن آنان در به عهده گرفتن مسئولیت در سانحه و بحران است. به همین منظور، جمعیت هلال‌احمر برای توسعه و بهبود فعالیت‌های خود در خصوص اهداف سازمانی، ضمن بهره‌گیری از تجارت گذشته، درصدد توسعه برنامه‌های سازمان در قالب تشکیلات جدیدی تحت عنوان کانون‌های امدادی محلات است تا بتواند رویکرد محله‌محور در امر امدادسانی را به صورت سازمان‌یافته تری اجرا کند (۱۴).

بر این اساس و با توجه به حادثه‌خیز بودن استان هرمزگان، در این تحقیق به دنبال بررسی نگرش شهروندان بندرعباس در خصوص تشکیل کانون‌های امداد محله‌ای و میزان علاقه‌مندی آنان برای همکاری و مشارکت در کانون هستیم، تا برآوردی از امکان ایجاد و تشکیل کانون‌های امداد در محله‌ها و مشارکت بیشتر مردم با هدف کاهش آسیب‌های ناشی از حوادث داشته باشیم.

روش‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شهروندان ۱۸

سنتی و جامعه‌محور است. در رویکرد سنتی چرخه مدیریت بلایا اعم از برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، سازماندهی، هماهنگی و کنترل در اختیار سازمان‌های دولتی است و جامعه یا نقشی در این چرخه ندارد یا اینکه دارای نقشی انفعالی است؛ اما در رویکرد جامعه‌محور، سعی می‌شود در کنار شناساندن مخاطرات تهدیدکننده جامعه، امکان مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت بلایا فراهم شود. در این رویکرد با ایجاد زمینه‌هایی در جهت توانمندسازی اعضای جامعه، توان مردم را برای سازگاری با پیامدهای زاینبار مخاطرات افزایش می‌دهند. رویکرد جامعه‌محور با سهم کردن مردم در چرخه مدیریت بلایا، ظرفیت جامعه در معرض خطر را برای مقابله و مواجهه صحیح با بلایا افزایش می‌دهد و در صورت رخداد بلایای طبیعی، روند بازگشت جامعه به وضعیت پیشین را شتاب می‌دهد؛ ضمن اینکه از خسارات انسانی و مالی به میزان قابل توجهی می‌کاهد (۱۱).

در طی سال‌های اخیر تلاش‌هایی به منظور تشویق سازمان‌ها و نهادهای شهری برای بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌محور در برنامه‌های مدیریت شهری صورت گرفته است. کلان‌شهرها برای کسب جایگاه رفیع خود و زنده ماندن در برابر تحولات پرشتاب قرن بیست و یکم راهی جز تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان، به ویژه شکل‌های غیردولتی و داوطلب، ندارند. فرایندی که در آن شهروندان با سهم شدن در تصمیمات اثرگذار بر زندگی خود و جامعه شهری و با درک حقوق شهروندی و با شناخت و فهم از مسئولیت‌پذیری جمعی و گروهی، هزینه‌های اداره شهر را کاهش خواهند داد (۱۲).

امروزه، محلات بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان برای دستیابی به توسعه پایدار شهر می‌باشند. محله‌ها از گذشته‌های دور جایگاه ویژه‌ای در سازماندهی امور شهری داشته‌اند. هر محله

نحوه مدیریت کانون، مکان تشکیل کانون، زمان، ساعت و روزهایی که پاسخگویان مایل به همکاری هستند و شرط عضویت در کانون امداد محله‌ای از جمله سؤالاتی بود که مورد سنجش قرار گرفته است. پرسشنامه‌ها با مراجعه حضوری به پاسخ‌گویان تحویل و تکمیل شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های دو استفاده شد.

یافته‌ها

پرسشنامه‌ها به غیر از دو بلوک (۱۵ و ۱۷ نمونه) به طور مساوی (۱۶ نمونه) بین بلوک‌های انتخابی توزیع شد و ۴۰۰ پرسشنامه کامل شده جمع‌آوری شد. جدول شماره ۱، توزیع درصدی جمعیت نمونه را بر اساس متغیرهای مورد بررسی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد: فقط ۱۱ درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد و بیش از ۵۴ درصد در حد متوسط با فعالیت‌های هلال‌احمر آشنایی داشتند. ۸۳ درصد افراد نمونه تاکنون در کلاس‌های آموزشی جمعیت هلال‌احمر شرکت نداشتند و حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان تاکنون برای کاری غیر از آموزش، مراجعه‌ای به جمعیت هلال‌احمر نداشتند. بیش از ۳۶ درصد از جمعیت نمونه آشنایی کم، و بیش از ۵۳ درصد در حد متوسط با کمک‌های اولیه و امدادرسانی آشنایی داشتند.

بیش از ۸۳ درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد موافق تشکیل کانون امداد محله‌ای هستند. بیش از ۷۰/۳ درصد پاسخ‌گویان به میزان زیاد به بالا، ۲۴/۸ درصد در حد متوسط، ۳/۵ درصد در حد کم تشکیل کانون امدادی محلات را ضروری می‌دانستند و ۱/۵ درصد ضرورتی برای تشکیل کانون قایل نبودند.

۶۰ درصد پاسخ‌گویان در حد متوسط و ۲۴ درصد از آنان در حد زیاد مایل به همکاری با کانون امداد محله‌ای بودند. بیش از ۶۷ درصد از شهروندان

تا ۶۵ سال شهر بندرعباس بودند که بر اساس آخرین آمارهای موجود بالغ بر ۲۴۱۶۶۰ می‌شدند. حجم نمونه پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به دست آمد که برای اطمینان بیشتر ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه تعیین شد. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ نخست شهر بندرعباس به ۵ منطقه تقسیم و بلوک‌های هر منطقه شماره‌گذاری و به طور تصادفی ۵ بلوک از هر منطقه انتخاب شد. سپس از هر بلوک، ۱۶ خانوار (نفر) با فاصله نمونه‌گیری ۵ بین منازل انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بسته - پاسخ بود. این پرسشنامه شامل متغیرهای زمینه‌ای همچون: سن، جنس، نوع اصالت، وضعیت تأهل، تحصیلات، تحصیلات همسر، شغل، شغل همسر و درآمد بود. همچنین برای امکان‌سنجی تشکیل کانون امداد محله‌ای، از تعداد سؤالاتی که دربرگیرنده کامل آن باشد استفاده شد که تعدادی از آنها در مقیاس ترتیبی و تعدادی نیز اسمی بودند. متغیرهای ترتیبی به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (اصلاً کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد) تدوین شدند که نمره‌گذاری آن از ۱ تا ۵ بود.

برای تعیین روایی، پرسشنامه تدوین شده ابتدا به‌طور تصادفی بین ۳۰ نفر از افراد نمونه توزیع شد و پس از جمع‌آوری و ارزیابی آن، اشکالات آشکار شده اصلاح و پرسشنامه نهایی تدوین شد. پایایی پرسشنامه نیز با ضریب بازنمایی^۲ (۰/۹۱) به دست آمد. میزان آشنایی با فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر، میزان حضور در کلاس‌های آموزشی هلال‌احمر، مراجعه به هلال‌احمر، موافقت با تشکیل کانون امداد محله‌ای، ضرورت تشکیل کانون امداد محله‌ای در محله پاسخگو، میزان تمایل به همکاری با کانون و فعالیت در تیم‌های امدادرسانی و ارسال کمک‌های مردمی،

2- Test- Retest

محله‌ای دارند، ضرورت بیشتری را برای تشکیل کانون در محل خود قایل هستند.

طبق داده‌های جدول شماره ۴، افراد دارای همسری با تحصیلات بالا، دارای درآمدی کمتر، آشناتر با فعالیت‌های هلال‌احمر و کمک‌های اولیه و امداد‌رسانی، موافق‌تر با تشکیل کانون امداد محله‌ای، معتقدتر به ضرورت تشکیل کانون امداد در محله، تمایل بیشتری به همکاری با کانون از خود ابراز داشتند.

مطابق داده‌های جدول شماره ۵، افراد مسن‌تر، آشناتر به فعالیت‌های هلال‌احمر و کمک‌های اولیه و امداد‌رسانی، موافق‌تر با تشکیل کانون امداد، معتقدتر به ضرورت تشکیل کانون امداد و مایل‌تر به همکاری با کانون، تمایل بیشتری برای فعالیت در تیم‌های امداد‌رسانی و ارسال کمک‌های مردمی بودند.

بحث

نتایج به دست آمده پژوهش حاضر از آگاهی متوسط شهروندان بندرعباس نسبت به فعالیت‌های هلال‌احمر و موافقت و تمایل بالای آنان به تشکیل کانون امداد محله‌ای و همکاری با آن گزارش می‌دهد.

همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی افراد همچون تحصیلات، تحصیلات همسر و شغل روی افزایش آگاهی و دانش افراد در خصوص فعالیت‌های هلال‌احمر و نگرش مثبت‌تر نسبت به فعالیت‌های جامعه‌محور جمعیت هلال‌احمر و تمایل به همکاری با جمعیت نقش مؤثری دارد. همچنین همراه با پایگاه اجتماعی، هر چه دانش و آگاهی افراد نسبت به فعالیت‌های بشردوستانه و کمک‌های اولیه و امداد‌رسانی افزایش یابد، تمایل آنان به همکاری داوطلبانه با جمعیت هلال‌احمر و حضور فعالانه در فعالیت‌های آن افزایش می‌یابد.

یافته‌های تحقیق حاضر با مطالعه نجفی و همکاران (۱۴) همسو می‌باشد. آنان در مطالعه‌ای مشابه به این

بندرعباس در حد متوسط و بیش از ۲۷ درصد در حد زیاد مایل به فعالیت در تیم‌های امداد‌رسانی و ارسال کمک‌های مردمی بودند.

بیش از نیمی از جمعیت نمونه، پایگاه مستقل و بیش از ۳۵ درصد، مسجد را به عنوان مکان تشکیل کانون پیشنهاد دادند. بیش از ۴۶ درصد افراد، جمعیت هلال‌احمر و ۴۲ درصد نیز هلال‌احمر و کانون را به طور مشترک به عنوان اداره کننده کانون پیشنهاد دادند. حدود ۷۰ درصد پاسخ‌گویان فقط زمان بروز حوادث، ۵۷ درصد از افراد نمونه فقط عصرها و بیش از ۵۲ درصد فقط در روزهای تعطیل مایل به همکاری با کانون امداد محله هستند.

بیش از ۶۰ درصد افراد معتقد بودند بهترین فرد برای اداره کانون، کارمندان هلال‌احمر هستند و بیش از ۶۸ درصد مصاحبه‌شوندگان، گذرانیدن دوره‌های آموزشی را شرط مناسبی برای عضویت افراد در کانون می‌دانستند.

با توجه به اکتشافی بودن مطالعه حاضر و در نظر بودن کشف روابط الگومند بین متغیرهای مختلف، چهار متغیر اصلی این پژوهش به طور جداگانه به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند و با استفاده از آزمون خی‌دو روابط معنادار به دست آمده بین متغیرهای مختلف و این چهار متغیر گزارش شده است.

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲، افراد تحصیل کرده‌تر، افراد شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی هلال‌احمر و کسانی که آشنایی بیشتری از فعالیت‌های هلال‌احمر دارند، آگاهی بیشتری از کمک‌های اولیه و امداد‌رسانی دارند.

مطابق با داده‌های جدول شماره ۳، افراد متأهل، دارای تحصیلات بالا، دارای همسری تحصیل کرده‌تر و افرادی که موافقت بیشتری با تشکیل کانون امداد

و آگاهی بالاتری نسبت به مسائل برخوردارند، خود را بیشتر درگیر مسائل اجتماعی و مشکلات مردم می‌کنند و نسبت به رفع موانع و مشکلات احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نتیجه تلاش افزون‌تری از خود نشان می‌دهند. پیامد چنین شرایطی، امنیت و آسایش بالاتر مردم محلاتی است که در مسائل خود مشارکت می‌کنند.

جمعیت هلال‌احمر سالیان درازی است که در کنار خدمت‌رسانی به مردم نیازمند، اهتمام جدی بر آموزش مردم و آمادگی آنان در برابر بلایای طبیعی دارد. به طوری که به اشکال و انحای مختلف، آموزش‌های لازم را به گروه‌های مختلف می‌دهد. اما بی‌شک نکته‌ای که کمتر بدان توجه شده، رویکرد آموزش محله‌محور یا جامعه‌محور است. آموزش متمرکز و از بالا به پایین، عدم توجه کافی به جامعه هدف اصلی (مردم محلات)، عدم استمرار در ارتباط بین آموزش‌گیرندگان و آموزش‌دهندگان و همه‌گیر نشدن آموزش از جمله ایراداتی است که سیستم آموزشی جمعیت هلال‌احمر تاکنون با آن روبه‌رو بود. از این رو جمعیت هلال‌احمر توجه بیشتری را به رویکرد جامعه‌محور در سالیان اخیر داشته است.

هر جامعه‌ای برای پیشبرد اهداف خود در هر زمینه‌ای نیاز به همراهی و مشارکت مردم دارد. فعالیتی که بدون هماهنگی و رضایت مردم به انجام رسد امکان موفقیت آن کاهش می‌یابد. چرا که افراد جامعه با توجه به اینکه حق و اختیاری در آن فعالیت ندارند، آگاهی کمتری نسبت به آن داشته و نسبت به آن احساس بیگانگی می‌کنند. در نقطه مقابل، فعالیتی که مشارکت مردم را به همراه داشته باشد، احتمال موفقیت آن افزایش می‌یابد. مشارکت نیز زمانی ایجاد می‌شود که مردم احساس کنند عضوی مؤثر در جامعه هستند و مسئولیتی در اختیار دارند.

از این رو توجه به مردم محلات، درگیر کردن آنان

نتیجه رسیدند که لزوم تشکیل کانون محلات در شهرهای بزرگ از نظر ۶۵/۷۶ درصد پاسخ‌دهندگان به میزان زیاد به بالا بوده است و میزان علاقه‌مندی حدود ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان به فعالیت در تیم‌های امدادرسانی کانون محلات، متوسط به بالا بوده است. یافته‌های دیگر وی حکایت از آن داشت که افراد با تحصیلات بالای دیپلم و با بافت اقتصادی بالا به میزان زیاد به فعالیت در تیم‌های امدادرسانی علاقه‌مند بودند. همچنین زنان، افراد بالا و زیر ۲۹ سال، افراد با تحصیلات بالا و زیر دیپلم، افراد با بافت اقتصادی بالا و متوسط به میزان خیلی زیاد تشکیل کانون محلات را لازم دانستند. در نهایت زنان، افراد زیر ۲۹ سال، افراد با تحصیلات زیر دیپلم، و افراد در بافت اقتصادی بالا و متوسط به میزان متوسط علاقه‌مند به همکاری با کانون محلات بودند.

صدیق سروستانی و عنبری (۱۵) نیز در پژوهشی دریافتند ۵۷ درصد پاسخ‌گویان به آسیب‌دیدگان از حوادث کمک مالی کردند، همکاری کمتری در خصوص امداد در سوانح داشتند و آگاهی‌شان از توصیه‌های ایمنی در مواقع حادثه کم بود. همچنین یافته‌های آنان نشان داد که هر چه سطح دانش و آگاهی پاسخ‌گویان نسبت به حوادث احتمالی و توصیه‌های ایمنی مربوط به آنها افزایش یابد، مشارکت بیشتری داشته‌اند. پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بر مشارکت امدادی آنان مؤثر است و نیز افراد با مشاغل درآمدی بالاتر و افراد داری ارتباط و مراجعه بیشتر با جمعیت هلال‌احمر، دانش و آگاهی بیشتری در مورد حوادث داشته‌اند. نتایج این مطالعه، تبیین‌کننده نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

نتایج به دست آمده پژوهش حاضر به همراه نتایج مطالعات دیگری که بدان اشاره شد تأثیر دانش و آگاهی اجتماعی و امدادی را بر گرایش شهروندان به مشارکت به وضوح نشان می‌دهد. افرادی که از دانایی

و به مشارکت طلبیدن شهروندان را امری ضروری و انکارناپذیر می‌نماید. لذا با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص تأثیر آگاهی و دانش افراد در تمایل آنان به مشارکت، ضروری است پیش از تشکیل کانون مورد نظر، آموزش‌های مرسوم جمعیت هلال‌احمر به صورت محله‌محور به انجام رسد. همچنین با توجه به هزینه‌بر بودن ایجاد پایگاهی مستقل برای تشکیل کانون امداد محله‌ای، می‌توان از مساجد، مدارس و پارک‌ها به فراخور محله مورد نظر استفاده کرد.

در فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر، آگاهی‌رسانی به مردم محلات با برنامه‌ریزی مدون و سنجیده نسبت به فعالیت‌های هلال‌احمر و ارتباط مستمر و پایدار از جمله اقداماتی است که برای مشارکت هرچه بیشتر مردم با جمعیت هلال‌احمر ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تمایل بالای پاسخ‌گویان مطالعه حاضر و اهمیت نقش و حضور مؤثر مردم در مواقع حوادث و بلاهای طبیعی، تشکیل کانون امداد محله‌ای در محلات

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصدی جمعیت نمونه بر اساس متغیرهای مورد بررسی

متغیر	آشنایی با امداد رسانی		ضرورت تشکیل کانون		همکاری با کانون		فعالیت در تیم‌های امداد رسانی	
	پاسخ‌ها	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
اصلاً	۴۳	۱۰/۸	۶	۱۲	۳	۷	۱/۸	
کمی	۱۰۲	۲۵/۵	۱۴	۵۲	۱۳	۱۴	۳/۵	
تاحدودی	۲۱۵	۵۳/۸	۹۹	۲۴۰	۶۰	۲۷۰	۶۷/۵	
زیاد	۳۳	۸/۳	۲۳۱	۷۹	۱۹/۸	۱۰۳	۲۵/۸	
خیلی زیاد	۷	۱/۸	۵۰	۱۷	۴/۳	۶	۱/۵	
جمع	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	

جدول شماره ۲- نتایج آزمون رابطه‌های معنادار بین متغیرهای مستقل و متغیر میزان آشنایی به

کمک‌های اولیه و امداد رسانی

متغیر مستقل	χ^2	Sig
تحصیلات	۱۵/۴۲۸	۰/۰۰۴
شرکت در کلاس‌های آموزشی	۸۹/۴۳۱	۰/۰۰۰
آشنایی با فعالیت‌های هلال‌احمر	۱۱۲/۰۹۶	۰/۰۰۰

جدول شماره ۳- نتایج آزمون رابطه‌های معنادار بین متغیرهای مستقل و متغیر ضرورت تشکیل

کانون امداد محله‌ای

Sig	χ^2	متغیر مستقل
۰/۰۲۴	۷/۴۳۰	تأهل
۰/۰۱۰	۱۳/۳۰۹	تحصیلات
۰/۰۰۰	۲۱/۸۹۸	تحصیلات همسر
۰/۰۰۰	۲۱۳/۳۸۱	موافقت با تشکیل کانون

جدول شماره ۴- نتایج آزمون رابطه‌های معنادار بین متغیرهای مستقل و متغیر تمایل به همکاری با

کانون امداد محله‌ای

Sig	χ^2	متغیر مستقل
۰/۰۰۶	۱۴/۶۱۹	تحصیلات همسر
۰/۰۱۹	۱۱/۸۳۲	درآمد
۰/۰۳۹	۱۰/۱۱۵	آشنایی با فعالیت‌های هلال‌احمر
۰/۰۰۰	۲۳/۰۲۱	آشنایی با کمک‌های اولیه
۰/۰۰۰	۵۸/۲۹۱	موافقت با تشکیل کانون
۰/۰۰۰	۸۶/۰۸۵	ضرورت تشکیل کانون

جدول شماره ۵- نتایج آزمون رابطه‌های معنادار بین متغیرهای مستقل و متغیر تمایل به فعالیت در تیم‌های امداد رسانی و

ارسال کمک‌های مردمی

Sig	χ^2	متغیر مستقل
۰/۰۱۸	۱۵/۲۶۷	سن
۰/۰۰۰	۲۹/۳۷۹	آشنایی با فعالیت‌های هلال‌احمر
۰/۰۰۱	۱۷/۷۸۶	آشنایی با کمک‌های اولیه
۰/۰۰۰	۶۰/۲۰۰	موافقت با تشکیل کانون
۰/۰۰۰	۲۲/۱۴۶	ضرورت تشکیل کانون
۰/۰۰۰	۲۵۱/۰۴۱	تمایل به همکاری با کانون

References

1. Iranian Red Crescent Society (2006), *Natural Disasters*, Payame Helal, No 121, [In Persian].
2. Zamani Q (2002). *International Humanitarian Law, Iran's Occupied Territories in imposed war*, Shahr-e-Danesh Research Institute of Law, [In Persian].
3. ADRC (2005). *Natural Disasters Data Book - 2004. Asian Disaster Reduction Center*.
http://web.adrc.or.jp/publications/databook/databook_2004_eng/ [Accessed on 15 July 2006].
4. Munich R (2005). *Topics Geo. Annual Review: Natural Catastrophes 2005*. Munich, Germany: Munchener Ruckversicherungs –Gesellschaft.
5. ADPC (2004). *Environmental Degradation and Disaster Risk*. Bangkok, Thailand: Asian Disaster Preparedness Center.
6. Amini E (2005). *Explain the concept of the urban texture and its role in reducing the risks of earthquake*, Proceedings of Conference on Earth hazards, natural disasters and ways to deal with it, Tabriz, Tabriz University. [In Persian]
7. Gazerpour, F (2002). *Implementation of total quality management (TQM) in the disaster headquarters, the first scientific research conference of rescue and relief management*, [In Persian].
8. Red Crescent Youth Organization of the Islamic Republic of Iran (2003). *Safety Tips, before, during and after flood*, Gorgan, A-2-First Time. [In Persian].
9. Sharp, T.W., Yip, R & Malone, J.D (1994). *U.S. Military forces and emergency, International humanitarian assistance*. JAMA; 272: 386-90
10. Mohammadi Yeganeh Sh (2009). *Methods of easy access to victims of accidents with the aim to speed up relief and rescue operations*, Scientific Journal of Rescue & Relief, First Period, No 2, pp 66-80, [In Persian].
11. Falk K. (2005). *Preparing for disaster: a community-based approach*. 1st Edition, Philippine National Red Cross: Manila.
12. Fairburn, C.g., Doll, H.A., Welch, S.L., Hay, P.J., Davis, B.A., O'Connor, M.D., (1998). *Risk factors for binge eating disorder: A community-based, case-control study*. Archives of general Psychiatry: 5(5) 425-432.
13. Mehta, J.N., Kellert, S.R.(1998). *Local attitudes toward community-based conversation policy and programmes in Nepal: a case study in the Makalu-Barun Conversation Area Environmental Conservation*, Environ Conserv; 25(4):320-33.
14. Najafi M, SepasiMoghadam H, Pourmohammad A (2009). *A Feasibility Study of Creation the local Relief Centers in big cities*, Scientific Journal of Rescue & Relief, First Period, No 2, pp 23-29. [In Persian].
15. Sediq Sarvestani R, Anbari M (2004). *Subcultural Beliefs and Relief*